

مقدمه‌یی بر

آرایش و پیرایش کتاب‌های کودکان

نادر ابراهیمی





سازمان اسناد و کتابخانه ملی

سرشناسه: ابراهیمی، نادر، ۱۳۸۷، ۱۳۱۵.
عنوان و نام پدیدآور: مقدمه‌یی بر آرایش و پیرایش کتاب‌های کودکان / نادر ابراهیمی.
مشخصات نشر: تهران، روزبهان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۲۵ ص، ۱۴×۲۱ س.م.
فروست: مجموعه‌ی مسائل ادبیات کودکان؛ ۵.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۴-۰۷۲-۵.
وضعیت فهرست‌نویسی: فینا
یادداشت: چاپ قبلی: آگاه، ۱۳۶۸.
یادداشت: چاپ دوم.
موضوع: کودکان - کتاب و مواد خواندنی
موضوع: Children-Books and reading
موضوع: کتاب‌آرایی - ایران
موضوع: Book design-Iran
نوع: تصویرگری کتاب - ایران
موضوع: Illustration of books-Iran
۱- دی کنگره: ۱۳۹۶ / الف ۱۶ / ۱۰۳۷ Z
- به‌بندی دیویی: ۲۸/۵
شماره کتابشناس: ۴۷۴۷۲۳۱۱

مدیریت تولید: مؤسسه سر - حامد
طراح جلد: سهیل حسینی
ناظر چاپ: فرهاد ایمانی
چاپ جلد: چاپخانه رسانقش
چاپ متن و صحافی: چاپخانه بهمن
چاپ اول، تابستان ۱۳۹۶
۵۰۰ نسخه
۱۱۰۰۰ تومان

فروشگاه و دفتر انتشارات
تهران، خیابان انقلاب، رویه‌روی دانشگاه تهران، شماره ۱۲۰۶
کد پستی: ۱۳۱۴۷۵۴۷۱۱
تلفن: ۶۶۴۰۸۶۶۷، تلفکس: ۶۶۴۹۲۲۵۳
www.roozbahan.com
info@roozbahan.com

این کتاب براساس شیوه نگارشی و ویرایشی نادر ابراهیمی تنظیم شده است.
© حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

- پیشگفتار ۱۱
۱. یک بحث مُنصِب و اژگانی ۲۱
۲. حروف بندی یا انتخاب حروف ۳۱
۳. قطع بندی یا انتخاب اندازی ۴۱
۴. حدّ سفید خوان ۱۰۱
۵. آرایش ویژه ۵۹
۶. پیرایش ویژه ۷۵
۷. چند یادداشتِ باقی مانده ۸۵
۸. چند یادداشت درباره‌ی کتاب مصوّرسازی ۸۹
- تصویرها ۹۷

پیشگفتار

برای ما ملت — که از بد حادثه یکی از فرهنگی ترین و در نتیجه عمیق ترین ملل عالمیم — کتاب همیشه اهمیت اعتبار و اعتبار، و احترام خاصی داشته است — گاه در حدّ قداست. ما به کتاب به عنایت چیزی که «نباید روی زمین بیفتد»، «نباید لگد شود»، «نباید پاره و کشیف شود»، «نباید مورد بی حرمتی قرار بگیرد»، «نباید کسی روی آن بنشیند»، «نباید این گوشه و آن گوشه انداخته شود» نگاه کرده ایم و می کنیم.

اینجا، در این جزوه، در باب دلایل فرهنگی، تاریخی، و سیاسی مسأله‌ی بسیار اساسی و افتخار آفرین، که خود یکی از علت های بقای فرهنگ ملت است، سخنی نمی گویم؛ بل می خواهم بگویم این احترام عمیق و مقبول، که ما در گذشتن برای کتاب قائلیم، و حق است که قائل باشیم، باعث شده است که از ابتدای پیدایی و به بازار آمدن کتاب کودک در ایران، این توهّم برایمان پیش بیاید که کتاب کودک نیز باید همان قدر صدرنشین باشد، همان قدر برکنار از حوادث ایام بماند، و همان قدر محفوظ و محترم، پاک و پاکیزه، سالم و تا نخورده، که کتاب های ویژه ی بزرگسالان؛ و این البته دُرُست نیست؛ مطلقاً درست نیست؛ مصیبت است، و یکی از اموری است که قطعاً کودکان را از عشق ورزیدن به کتاب،

زیستن با کتاب، بهره‌گیری از کتاب، ایجاد ارتباط با کتاب، و طبیعتاً داد و ستد با فرهنگ مکتوب، جداً، باز می‌دارد. کودک، نوع ارتباطی که با کتاب برقرار می‌کند، با نوع ارتباطی که بزرگسالان با کتاب برقرار می‌کنند، متفاوت است، و باید باشد. چرا ما نباید به مسأله‌یی تا این حد ساده و طبیعی توجه کنیم و از کودک، دقیقاً، همان چیزی را بخواهیم که از بزرگسال می‌خواهیم؟ کتاب کودک یک کالای مصرفی است؛ یک نوع خوراک است؛ یک نوع اسباب بازی است؛ خوراک روح و اسباب بازی فرهنگی. کتاب کودکان برای آن نیست که مرتب و منظم خوانده شود، تمیز و انگار که دست نخورده باقی بماند، برود بالای طاقچه یا توی قفسه‌ی مُقَفَّل «شیک»، دور از دست و چشم بچه‌های بینوا—تا برای نسل‌های آینده و داهای دور بماند. کتاب کودکان وسیله‌ی تفاخر و خودنمایی پدران و مادران — که می‌خواهند و ش‌های تربیتی منحط اما به خیال خودشان دانشمندانه‌ی خویش را به شیخ یگران بکشند— نیست، بلکه وسیله‌یی است شوق‌انگیز و موقتی که بچه‌ها را به سوی سنبله‌ی حُردن، یاد گرفتن، فهمیدن، و لذتِ مادی و معنوی بردن از زندگی براند، و دست‌باز، بسیار، بی‌آرام، با ارزش‌ها و ضد ارزش‌های پایه آشنا کند، نه آنکه ایشان را بر سرِ اند و به پرهیز از کتاب یا نفرت از آن وادار کند. کتاب کودک باید لای دست و پای کودک یفتد، کودک با آن وربرد، با آن دریفتد، با آن بازی کند، آن را بارها تَوَرَق و وَرَق برین کند، خط خطی کند، قیچی کند، پاره پاره کند، و در عین حال، ارتباط خود را آزادانه و شادمانه، با آن حفظ کند. حفظ ارتباط مسأله‌ی ماست نه حفظ کتاب. آر چند نفری که می‌گویند در اروپا و امریکا دیده‌اند که بچه‌ها کتاب‌ها را مثل دسته‌ی کلنگ می‌ارزند و نوی نو— حتی نوتر از روزی که خریداری شده— می‌خوانند و از بر می‌کنند و سپس آن‌ها را مثل سرباز در سربازخانه‌ی کوچک اتاق خود ردیف می‌کنند و قرن‌ها و قرن‌ها دست نخورده نگه می‌دارند، مُزخرف می‌گویند. خود اروپایی‌ها و امریکایی‌ها هم اگر هم‌چو حرف‌هایی می‌زنند، مُزخرف می‌گویند. در کتاب‌های خیلی مشهور و معتبر تعلیم و تربیت هم اگر این‌گونه مسائل نوشته شده، مُزخرف نوشته شده. بچه‌های درمانده‌یی که با کتاب این‌طور معامله می‌کنند هم عقب نگه داشته

شده‌اند و ترسو، مورد تهدید قرار گرفته و تحقیر شده، ابله و شکنجه دیده. اولیاء و مربیان‌شان هم استعمارگرند و استثمارگر و ستمگر. همین و همین: کتابِ کودک یک وسیله‌ی مصرفی است (بدیهی است که حدّ سنی و عقلی، در همه حال، مورد نظر ما هست، و مطلقاً نمی‌گوییم که کودکان سی ساله هم حق دارند کتاب‌هایشان را قیچی قیچی کنند و دور بریزند).

تنبیه کودک، به خاطر آنکه کتابی را خط‌خطی یا پاره‌پاره کرده، دقیقاً به معنای پایه‌گذاری بی‌زاری از کتاب است در کودک، و به معنای آن است که کودک به این شیء گناهناز نزدیک شود؛ چراکه میل به پاره‌پاره کردن، شکافتن، تکه‌تکه کردن، جزیره‌ریزی و میل به نفوذ کردن در درون شیء از طریق متلاشی کردن آن، به دلایل منطقی و علمی، جزو خصلت‌های طبیعی بچه‌هاست. دل برکنیم از کتابِ کوچکِ ناجیه که برای فرزند خود خریده‌ایم. دیگر آن کتاب را جزو پس‌اندازهای ابد‌مدت و همیشه‌دوره خود و خانواده‌ی خود به حساب نیاوریم. و گمان نبریم که کودک نیز مانند ما سال‌ها باید کتاب را روی چشم‌های خود بگذارد و مراقب ورق‌ورق و سطر‌سطر و کلمه‌کلمه‌ی آن باشد. نَع! گفتیم: «کودک باید با کتاب زندگی کند» و «زندگی کردن» برای کودکان همان معنایی را ندارد که برای بزرگ‌ها دارد.

کودک را از کلنجار رفتن با کتاب منع نکنیم. آن چندتومای کتاب بابت خرید کتاب کودک داده‌ایم، با نهایت اندوه، از کف رفته بینگاریم و فریاد می‌کنیم. سرمایه‌گذاری کردیم تا فرزند مظلوممان کتاب آشنا شود، با کتاب آشنا شویم، با کتاب بجوشد، با بوی کتاب، عطر کتاب، رنگ کتاب، داستان کتاب، و دستور کتاب اُنس و اُلفتی به هم بزنند، نه آنکه کتاب را به ارث بگذارد.

البته، این خوب است که ما تکه‌های کتاب را، با حوصله، به هم بچسبانیم؛ خوب است که در نهایت، احترام خودمان به کتاب را، به طور غیرمستقیم، بدون تنبیه و کتک و دشنام، به بچه حالی کنیم، خوب است که کتاب را با دقّت، وصله‌پینه و چسب‌کاری کنیم؛ اما فاتحه‌ی کتاب‌خوانی بچه را خوانده‌ایم اگر او را به خاطر آنکه یکی از کتاب‌های خودش را جرداده یا خط‌خطی کرده مورد حمله‌ی

زورمندانه و زورمدارانه‌ی خود قرار بدهیم و با توگوشی و لگد و پشت‌دستی و انواع عملیات نظامی دیگر به جان آن طفل معصوم بیفتیم. ما باید باور کنیم که او قصد تجاوز به اموال مقدّس ما را نداشته و ندارد. بچه‌ها، اصولاً، حامل «قصد» بد نیستند. قصد بد مال بزرگ‌هاست. بد مال بزرگ‌هاست. یا باید از خریدن کتاب کودک بگذریم یا از خیر خود کتاب کودک. خیال کنیم که دو عدد، فقط دو عدد، سیگار خریده‌ایم، در عرض چند دقیقه دود کرده‌ایم، و تمام شده رفته پی کارش — که البته از نظرتناجیح، قابل مقایسه هم نیستند؛ اما فریاد نکشیم که «چرا کتاب را پاره کردی الاغ؟ چرا کتاب را خراب کردی احمق؟ چرا آن را خط‌خطی کردی... شعری؟ تولیافت نداری، تو عرضه نداری، تو... تو... دیگر بمیری هم برت کتاب نمی‌خرم». بس کنیم این روش‌های متعالی تربیتی را، و هر لحظه به خاطر بیاوریم که نزدیک، قبل از هر چیز، کودک است. پس، نخست، به کودک بودن کودک احترام بگذاریم، بعد به کتاب بودن کتاب. بیاییم از این محبت بی‌نظیر که در حق فرزندان می‌کنیم و اهی یک کتاب — به قیمت دو عدد سیگار — برای او می‌خریم چشم‌پوشی و ایراد گونه‌مان را به کلام بد و دست را به خشونت و بی‌رحمی آلوده نکنیم؛ و بچه‌ها، آن را دِق مرگ و خون به جگر نکنیم، و به ایشان سرکوفت‌های عقده‌ساز نزنیم، آن‌ها را به خاطر جلد کهنه‌شده‌ی یک کتاب «زهره‌تُرک» نکنیم...

ما که به راستی اولیاء و مُرتبانی بسیار جدی، دقیق، فراگیر، پُر جذبه و خوفناک هستیم، که بچه‌های چهار پنج ساله با دیدن یک دین‌نگار، ما و هیبت پرشکوه و تیمسارانه‌مان خود را مستقیماً مرطوب می‌سازند، بهتر است تمام این نیروهای فشرده‌شده‌ی خویش را در راه ایجاد و حفظ لحظه‌های شادی بچه‌ها به کار ببریم؛ اما اگر گذشت و بزرگواری فرمودیم و خویشتن را پدری یا مادری صاحب‌اندیشه، فرهنگ‌دوست، و طرفدار جدّی توسعه بخشیدن به امکانات مطالعاتی کودکان جلوه‌گر ساختیم، و متخصصانه و برازنده، کتابی خریدیم و آن را به دست طفل

۱. زمانی که این جمله‌ها را می‌نویسم، قیمت هر بسته سیگار یکصد تومان است و قیمت یک کتاب معمولی کودکان بین هفت تا بیست تومان.

معصوم خود دادیم تا شادش کنیم، دیگر آن را به قیمت خون او حساب نکنیم. رهایش کنیم. کتابِ کودک مالِ کودک است، ملکِ کودک است، داراییِ کودک است. بگذاریم در راه ایجاد رابطه با آن، هرچه می‌خواهد با آن بکند. بسیار خوب! این نیز، بنا به رسم، چند کلمه‌یی به عنوان پیشگفتار. اما بدیهی است که از این پیشگفتار می‌خواهیم نتایجی بگیریم و آن نتایج را به صورت چند اصل بیان کنیم:

اصل اول: کتابِ کودک یک کالای مصرفی است.

اصل دوم: کتابِ کودک متعلق به کودک است، هرچند که، عطف به رخصتِ سنیِ کودک، بزرگسالان آن را برای کودک بخوانند. (خوانند شدن کتابِ کودک به وسیله‌ی اولیاء، حق مالکیتی برابرِ ایشان ایجاد نمی‌کند).

اصل سوم: کتابِ کودک در به‌شدت روحِ کودک و رشدِ فرهنگِ او نقشی مشخص، محدود و معطوف به حدِ سنی دارد.

(الف) به همین دلیل است که ماردیف‌های سنی را برای آثار ویژه‌ی کودکان معین کرده‌ایم.

(ب) نگاه داشتن کتابِ کهنه‌ی بچه‌ی اول‌ری، بچه‌ی دوم، بچه‌ی دوم برای بچه‌ی سوم و الا آخر، عملی به‌شدت و مقرون به صرفه نیست، و در عین حال، در جهت آموزش و پرورش و اصول تربیتی جدید هم نیست. بگذاریم بچه‌های بزرگ‌تر، در فرصت‌های مناسب، قصه‌هایی را که شنیده‌اند و خوانده‌اند به یاد بیاورند و برای بچه‌های کوچک‌تر حکایت کنند — با تغییراتی که معمولاً یک ذهن فعال، در طول زمان، به هر قصه و داستان می‌دهد. در دسترس بچه‌های تازه‌ی خود، کتاب‌های تازه قرار بدهیم.)

یادداشت ۱: کودک، با توجه به رفتار عاقلانه‌ی اولیاء و مربیان — یعنی در شرایط مناسب آموزشی و پرورشی — آهسته‌آهسته و خودبه‌خود، روش‌های نگهداری اشیاء قابل نگهداری را، که دارای اعتبار معنوی باشد، فرا خواهد گرفت. با تهدید و تنبیه، کاری از پیش نمی‌رود — همان‌گونه که تا به حال نرفته است. زیان خست و تنگ‌نظری و گدامنشی، کمتر از زیان اسراف نیست.

یادداشت ۲: برای آنکه کودک، طی سال‌های رشد فرهنگی، روش کتاب خواندن و نگه داشتن کتاب را از بزرگسالان یاد بگیرد، و تدریجاً، کتاب برای او حرمت و احترام لازم را پیدا کند و یار و مونس همیشگی شود، بهترین راه این است که پدران و مادران محترم، هرگاه کتاب تازه‌یی برای فرزند خود می‌خرند، کتابی هم برای خود بخرند و در خانه مشغول خواندن آن شوند. در این حال، فضای خانه انباشته از آثار حاصل می‌شود که اولیاء امیدوارند، به ضرب خشونت، آن حال به دست آید. اگر هم پدر و مادر محترم سواد کتاب خواندن ندارند، روش نگهداری کتاب کودک را بهتر است به خود کودک واگذار کنند.

با توجه به این اصول و ضوابط، هر آنچه که ما، به عنوان تولیدکنندگان کتاب کودک، روی این‌گونه کتاب‌ها می‌دهیم — درست برخلاف آنچه با کتاب‌های بزرگسالان می‌شود — باید که با در نظر گرفتن همین جنبه‌ی مصرفی بودن کتاب کودکان باشد. البته این اطلاع، به هیچ وجه، نباید منجر به تولید اشغال‌های دورریختنی و کتاب‌هایی بشود که حتی پس از شروع به بهره‌گیری هم شیرازه‌ی آن‌ها از هم می‌پاشد و ضمن نخستین توزیع، تکه‌تکه و اوراق می‌شود.

تولیدکنندگان واقعی کتاب کودک — و نه راهبران و سرعاسه‌تفاده‌کنندگان از احتیاج بچه‌ها به کتاب — حق است که بکوشند کتاب که، رچه بیشتر و بیشتر، پاسخگوی نیازهای گذرا و کوتاه‌مدت کودک باشد — در عین حال که مخزن فکری و روحی کودک را کم‌کمک و بدون فشار پُر کند تا کودک بتواند در آینده از این مخزن برای نجات خود و جهان خود بهره بگیرد.

از کتاب کودک، آنچه در ذهن می‌ماند اهمیت دارد نه آنچه در کتابخانه، تمیز و مرتب، می‌ماند.

بنابراین، هدف از آرایش و پیرایش کتاب کودک — که در این جزوه، به شکلی مُقَدِّماتی به آن پرداخته ایم — مطلقاً، گران بها کردن، نفیس کردن، عتیقه کردن، اشرافی کردن، هنری کردن، زینتی کردن، رنگارنگ کردن، و در نهایت غیر قابل مصرف کردن کتاب کودک نیست؛ بلکه جذاب، دلنشین، دوست داشتنی، شیرین، و قابل استفاده و مصرف کردن آن است.

و با اینهمه، بنابراین، هر نوع به کارگیری مواد گران قیمت، هر نوع برجسته کاری هزینه ترانه، هر نوع عملیات اشراف منشانه در چاپ و صحافی، هر نوع بُرش خاص و پُریچ رِباب، گِیج کننده‌ی هزینه افزا (که فی المثل باعث شود از وسط کتاب یک قصه بریزد یا چند پروانه بیایند بیرون و بروند تو)، هر نوع دو پوشه کردن جلد و کشیدن ورقه‌ای شگفتا روی جلد، هر نوع طلایی و نقره‌یی کردن تصویرها به قصد فریب دادن خریداران ساده لوح و یا اهدایی کردن کتاب (به قول مانوکیسه‌ها «کادویی کردن»). هر نوع رنگین و رنگین تر کردن بی علت و منطقیِ اوراق کتاب، و در مجموع هر نوع اسرافکاریِ تزئینی که منجر به تقویت حس حفاظت غیرعادی و تمایل به سالم و دست نخورده نگه داشتنِ طولی مدت کتاب کودک بشود، در عمل، باعث دور ماندن کودکان از کتاب (و حتی به زیان سوداگران کتاب کودک) خواهد شد.

محاسبه‌ی «مقاومت مصالح» در کار تولید کتاب کودک، به معنای به کار بُردن مصالح گران قیمت ظاهر فریب عوام پسند مشتری رنگ گزین است؛ بلکه به قصد یافتن مصالحی است که پاسخگوی نیاز بی‌چَه به برقراری ارتباط با کودکان باشد. همان طور که اگر کتابی را از جنسِ بلورِ اصل تراش خورده یا هر نوع مایه‌ی ظریف، شکستنی، و گران قیمتِ دیگر بسازیم، چنین کتابی را به دست طفل خُردسال نمی‌توان داد، و حداکثر می‌توان به او اجازه داد که از دور، دور، با حسرت و حیرت، به آن نگاه کند، همان طور هم اگر کتابی را آن چنان نفیس و اشرافی از آب درآوریم که دل پدر و مادر از کثیف شدن یا چرخ خوردن یا ورق شدن یا خط خطی شدن آن کباب شود و از بین رفتن آن، زبانم لال، ایشان را عزادار کند، تولید این گونه کتاب‌ها عملی است ضد فرهنگی، ضد تربیتی، و به خصوص

ضد فرهنگ و تربیت ملت‌های استعمارزده، مستضعف نگه داشته شده، و کم درآمد دنیا.

(یک بار دیگر تأکید می‌کنم تا مبادا سخنان ما مورد سوء استفاده واقع شود: هدف ما از «بی‌جهت گران قیمت کردن» و «غیرمصرفی کردن»، تولید اشغال‌های بُنجل، با کاغذهای کاهی تیره‌رنگ چشم‌آزار، چاپ غیردقیق و ناشیانه — که هرگز چهاررنگ آن، انگ، برهم ننشسته باشد — و ته‌دوزی دوسوزنی (با سوزن‌هایی که به دست بچه‌ها می‌رود و دست‌ها را خونین و مالین می‌کند)، با تصویرهای بی‌رزش و اعتبار یا یکسره سیاه و سفید (= هنرمحانی تمام کردن کار)، و مطالب سرابا خال و غلووظ بدون ویرایش، آرایش، پیرایش، و پرداخت نیست. لازمی ارزش بودن رشت بودن نیست؛ لازمی زیبا بودن، گران بودن نیست؛ لازمی خوب ریس با خوب بودن هم طبیعتاً مصرف یک مجموعه مصالح فوق‌العاده گران قیمت نیستی و استثنایی و خودفروشانه نیست.)^۱

۱. تولیدکنندگان کتاب کودک معاً اقدام به تبعیت کنند از روش‌های خانه‌سازی بسیار زشت، نفرت‌انگیز، ننگین، شرم‌آور، آبله‌فریب، برحیثیت، با رونق ملت، ضد فرهنگ، ضد هنری، ضد آرامش روحی، و آبرو بر باد دهی که ثروتمندان بی‌زنگین، در سه دهی اخیر، باب کرده‌اند. مهندسان خوب و نجیب از لخرچی و بلاهت این گروه لُذ می‌برند و با جنگ ملی از لذت نامشروع مهندسان و بلاهت تأسف‌انگیز ثروتمندان خون‌دل می‌خورد. پوزارها می‌گویند: «هرچیز که گران، کمیاب، و خارجی باشد، حتماً خوب است»؛ مهندسان می‌گویند: «پول مردم باید حرام شود. فرقی نمی‌کند که چطور. ما هم آدمیم، و می‌خواهیم به کمک ثروت نامشروع و انباشته ثروتمندان، وسایل تعیش خود را فراهم آوریم». ظاهر بسیاری از این خانه‌ها و ساختمان‌ها، شرمسارانه بایاد، به ظاهر زنان بینوایی که نظام ضدبشری آریامهری ایشان را به خودفروشی و هرجایی‌گری کشانده بود، به خصوص اینکه هر ساختمان، سازی برای خود — گوشه‌خراش و دل‌آزار — می‌زند و کاملاً بی‌اعتناست به نیازهای اطراف خود، انسان را به یاد همان خودنمایان خودفروش می‌اندازد، و هم به یاد مردم هارعتی‌های دوره‌گرد که به رقابت با هم جار و جنجال راه می‌انداختند و روی دست هم بلند می‌شدند. این ساختمان‌ها را هرچه بیشتر گرج مالی و کاشی مالی و رنگ مالی می‌کنند، وحشتناک‌تر می‌شوند. صاحبان و سازندگان این خانه‌ها گمان می‌برند که سادگی، الزاماً، به معنای ضدآشرفی بودن است. و راست است. روح فاسد آلوده، کالای فاسد آلوده می‌طلبد. صفا و سادگی، صاحبان صفا و سادگی را برانزده است. بدترین دزد، دزدی‌ست که ظاهری طاهرانه و نازدانه داشته باشد. و دیری نخواهد گذشت که آدم‌هایی که ذره‌یی شناخت از مسائل زیبایی‌شناسی و فرهنگ معماری عظیم و ثبت‌انگیز ما دارند و درس‌های اول هنرشناسی را خوانده‌اند و یا لاف‌سلیقه‌یی سالم و طبیعی دارند و آزادانه و انسانی نگاه می‌کنند،

بهترین و ناب‌ترین آثار ویژه‌ی کودکان، در سراسر جهان، از آغاز تا امروز، هرگز، حتی محض نمونه هم، پُرزرق و برق‌ترین این آثار نبوده است. هدفِ ناشرانِ باسُرف، از تولید کتاب کودک، باید که همسوی اهدافِ خالقانِ راستینِ آثار ویژه‌ی کودکان باشد، و هیچ‌یک از اهدافِ خالقانِ راستین — که آن‌ها را از جزوه‌ی دیگری برشمرده‌ایم — مسلماً این نبوده و نخواهد بود که کتابِ دورانِ استیلا، بچه‌ها، سالم، و تمیز در گوشه‌ی بی‌نگه داشته شود.



آهسته و پنهانی، آن‌ها سرِ هیچ‌کس لگدمال نشود، و هیچ‌کس مجبور نشود به دفاع از روشِ نادرست — ردِ برادر، به پدران و مادرانی که کتاب‌های کودکان را، پس از یکی دو بار خواندن، با پشت و احتیاط و ظرافت و سلیقه‌ی تمام در کتابخانه‌ی کوچک و قفل‌داری که برایشان فرزندِ نازنین خود خریده‌اند می‌چینند و اجازه‌ی بازی با این کتاب‌ها را به کودک، نه به سایر کودکان نمی‌دهند بگویند؛ نمایش کتاب را تنها ابلهان سرمایه می‌کنند تا با آن بهره‌ی افتخار کسب کنند. یعنی:

فقط جاهلان کتاب را برای پس انداز کردن و دست‌نخورده نگه داشتن می‌خواهند.

یعنی:

اگر بخواهیم با اتکای به کتاب‌هایی که در کتابخانه‌ی خود جمع کرده‌ایم، و آن‌ها را گهگاه گردگیری می‌کنیم، خود را به دیگران، اهل کتاب، علم، شرف، سرِ سنگ، و دانش معرفی کنیم، این امر دلیلِ براوجِ حماقت ماست.

یعنی:

نتایجی که از کتاب حاصل می‌شود مهم است نه شیئیتِ کتاب. قداست و احترام عظیم کتاب نزد قدامای ما، به خاطر محتوای کتاب بوده است نه جلد تمیز و بزاقی کتاب.

دیگران نتوانند در خیابان‌های خیلی از شهرهای ما سرشان را بلند کنند و به اطراف نظری بیندازند؛ چراکه سر بلند کردن همان و استغراق، همان. در این باب نیز، در جای دیگر، مفضل نوشته‌ام.